



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ش ۶ (پیاپی ۴۱)، بهمن و اسفند ۱۳۹۶، صص ۱۰۳-۱۳۶

## نقش پیشوندهای اشتقاقی افعال سبک کردیون، بتیون و بوکوواتیون در زبان سمنانی در بازنمایی جزایر معنایی از منظر رویکرد شناختی: تعامل میان صرف و معنی‌شناسی

ابراهیم رضاپور<sup>۱\*</sup>، مونا پیشگو<sup>۲</sup>

۱. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

پذیرش: ۹۶/۳/۱۶

دریافت: ۹۵/۱۱/۱۱

### چکیده

نظام صرفی زبان سمنانی نقش اساسی در رمزگذاری و بازنمایی معنی ایفا می‌کند. افعال سبک سمنانی دارای پیشوندهای اشتقاقی متنوعی هستند که هریک از آن‌ها سهم مهمی در بازنمایی معنی دارند. پرسش‌های اساسی پژوهش حاضر عبارت است از: پیشوندهای اشتقاقی اساساً چه نقشی در بازنمایی فضای معنایی افعال سبک در زبان سمنانی دارند؟ آیا پیشوندهای اشتقاقی در ایجاد تمایز معنایی درون هریک از ساخت‌های افعال سبک نقش ایفا می‌کنند؟ چه ارتباطی بین پیشوندهای اشتقاقی و جزایر معنایی افعال سبک وجود دارد؟ پیکره پژوهش شامل چند کتاب به زبان سمنانی، واژه‌نامه گویش سمنانی و گفتار ۵۰ گویشور زبان سمنانی است که افعال سبک کردیون (kerd-iyún)، بتیون (b(e)-et-iyún) و بوکوواتیون (bū-kkūwātīyún) از این پیکره استخراج شده‌اند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیشوندهای اشتقاقی افعال سبک مذکور نقش مهمی در بازنمایی جزایر معنایی دارند و درحقیقت نقش عمده چنین پیشوندهایی در حوزه‌بندی افعال مرکب است. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که در برخی موارد تشابه معنایی نسبی بین برخی پیشوندهای افعال سبک وجود دارد؛ اما با نگاه دقیق می‌توان دریافت که حتی در چنین مواردی پیشوندهای اشتقاقی افعال سبک باعث تدقیق تمایز معنایی می‌شوند. همچنین داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیشوندهای افعال سبک نقش اساسی در انتخاب جزء غیرفعلی دارند و اغلب جزء غیرفعلی افعال مرکب تنها با یکی از مشتقات فعل سبک به‌کار می‌رود و موارد نادری را می‌توان یافت که جزء غیرفعلی با مشتقات یک فعل سبک به‌کار می‌رود؛ اما معنای آن‌ها متفاوت است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی کارکردهای پیشوندهای اشتقاقی افعال سبک کردیون، بتیون و بوکوواتیون در زبان سمنانی است.

واژه‌های کلیدی: زبان سمنانی، افعال سبک، پیشوندهای اشتقاقی، فضای معنایی، جزایر معنایی، صرف، معنی‌شناسی.

## ۱. مقدمه

گویش سمنانی یکی از گویش‌های اصیل ایرانی است که بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی باستان را در خود حفظ کرده است. سه ویژگی مهم این گویش کنایی، جنس و حالت هستند (کلباسی، ۱۳۸۴: ۲۹۷). گویش سمنانی جزو شاخه غربی زبان‌های ایرانی و در بین زبان‌های این شاخه متعلق به نواحی شمالی لهجه‌های مرکزی ایران است. از نظر طبقه‌بندی تاریخی، این گویش اصیل متعلق به حدفاصل بین زبان‌های ایرانی باستان و میانه بوده و بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های باستان از جمله کنایی، جنس و حالت را در خود حفظ کرده است (داوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱۵). افعال مرکب در زبان سمنانی معمولاً از طریق دو سازوکار صرفی ترکیب و انضمام ساخته می‌شوند. نگارندگان با بررسی پیکره متنی شامل کتاب‌هایی به زبان سمنانی، گفتار حدود ۵۰ گویشور سمنانی و واژه‌نامه گویش سمنانی (جواهری و پژوم شریعتی) دریافته‌اند که زبان سمنانی دارای ۳۳۵ فعل ساده است. همچنین بررسی پیکره متنی نشان می‌دهد که بسامد مصداقی افعال سبک کردیون، هاگردیون، واگردیون، بوکواتیون، بتیون به ترتیب ۹۸۹ مورد، ۴۳۳ مورد، ۱۳۹ مورد، ۳۱۲ مورد و ۲۲۹ مورد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پرسامدترین فعل سبک در زبان سمنانی کردیون است. نگارندگان با مطالعه افعال مرکب زبان سمنانی به این نکته پی برده‌اند که افعال سبک کردیون، بتیون و کوواتیون دارای پیشوندهای متنوعی هستند. براساس دستور ساختی می‌توان هر یک از افعال مرکب را به عنوان یک ساخت در نظر گرفت که دارای صورت و معنا هستند. صورت شامل ویژگی‌های نحوی، واجی و صرفی و همچنین معنا شامل معنای معناشناختی، کاربردشناختی و گفتمانی است؛ بنابراین حضور پیشوندهای اشتقاقی متفاوت در هر یک از افعال سبک مذکور از منظر دستور ساختی به شکل‌گیری این مسئله در ذهن منجر می‌شود که پیشوندهای اشتقاقی اساساً چه نقشی در بازنمایی فضای معنایی افعال سبک در زبان سمنانی دارند. آیا پیشوندهای اشتقاقی در ایجاد تمایز معنایی درون هر یک از ساخت‌های افعال سبک نقش ایفا می‌کنند؟ چه ارتباطی بین پیشوندهای اشتقاقی و جزایر معنایی افعال سبک وجود دارد؟ پرسش‌های مذکور

مستلزم ترسیم فضای معنایی و همچنین تعیین جزایر معنایی برای هریک از افعال سبک است تا مشخص شود که چه رابطه‌ای بین پیشوندهای اشتقاقی و جزایر معنایی وجود دارد.

## ۲. پیشینه تحقیق

دستورنویسان ایرانی و غیرایرانی و زبان‌شناسان با علایق نظری گوناگون به مقوله افعال مرکب فارسی توجه و آن را توصیف کرده‌اند. دستاوردهای تحقیقات این پژوهشگران می‌تواند سهم مهمی در توصیف و تحلیل فعل مرکب گویش سمنانی و همچنین تبیین ساختار معنایی افعال سبک آن داشته باشد. دبیرمقدم (۱۳۸۸: ۱۴۹) عنوان کرده است که در زیرمجموعه وسیعی از افعال مرکبی که به شیوه ترکیب حاصل شده‌اند، جزء فعلی صورت واژی شده فعل ساده است که به‌عنوان نشانه نوع عمل ایفای نقش می‌کند. وی (همان: ۱۸۳) به پیروی از بینیک<sup>۲</sup> (۱۹۹۱: ۱۴۸) بین نمود و نوع عمل تمایز قائل شده است؛ نمود را دستوری شدن<sup>۳</sup> و نوع عمل را واژی شدن تلقی کرده است. کریمی و محمد (۱۹۹۲: ۲۰۱-۲۰۲) سه ویژگی اساسی افعال سبک را بدین صورت مطرح کردند: (۱) عنصر فعلی افعال مرکب فارسی از نظر معنایی تهی است. فعل مرکب همراه با عنصر اسمی حامل بار معنایی دارای خوانش اصطلاحی است. (۲) فعل سبک رابطه تنائیی<sup>۴</sup> با عنصر اسمی ندارد. (۳) چارچوب زیرمقوله‌ای<sup>۵</sup> این افعال همانند فعل سنگین متناظر خود نیست، مثلاً فعل سنگین «دادن» مفعول مستقیم و غیرمستقیم همانند متناظر خود در انگلیسی می‌گیرد، اما فعل سبک انواع مختلف متمم‌ها را بسته به عنصر اسمی در فعل مرکب می‌پذیرد. منصوری (۱۳۹۲: ۱۰۱) معتقد است که همه افعال سبک به یک نسبت از معنای واژگانی تهی نمی‌شوند. برخی از این افعال واژگانی‌تر و برخی دستوری‌ترند. در این میان فعل سبک «کردن» تقریباً به‌طور کامل از معنا تهی شده است. وی سبک شدن جزء فعلی در افعال مرکب فارسی را به‌صورت پیوستار زیر نشان داده است:

خواندن خوردن/گذاشتن داشتن/دادن گرفتن زدن کردن

تهی از معنا یا فعل سبک

دارای معنا یا فعل غیر سبک

کریمی‌دوستان و روحی بایگی (در دست چاپ، ۱۷-۱۸) به بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از منظر معنی‌شناسی واژگانی شناختی پرداخته‌اند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازوکارهای شناختی مانند مقوله‌بندی، نمونه‌اعلا، استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در چند معنایی فعل «زدن» در قالب یک مقوله شعاعی نقش اساسی دارند. آن‌ها علت باهم‌آیی عناصر پیش‌فعلی با افعال سبک را وجود عناصر موجود در معنای سرنمون فعل «زدن» دانسته‌اند. مرادی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲: ۳۲۲) در بررسی معنایی فعل مرکب در زبان فارسی از منظر نظریه نمود معنایی - واژی لیبر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نشان دادند که نه‌تنها ساخت موضوعی فعل ساده و پیش‌فعل، بلکه مشخصه‌های معنایی آن‌ها، در ساخت موضوعی فعل مرکب نقش دارند. عموزاده و بهرامی (۱۳۹۱: ۱۶۹) معتقدند که افعال سبک به‌صورت نظام‌مند در حفظ ویژگی‌های طرح‌واره نیروی محرکه با فعل اصلی متناظر مرتبط هستند؛ اما حوزه مفهومی که در آن ساخت نیروی محرکه اعمال می‌شود، از حوزه فیزیکی به حوزه انتزاعی روان‌شناختی منتقل می‌شود. آن‌ها (همان: ۱۸۵-۱۸۶) در بررسی افعال سبک «کردن و داشتن» در زبان فارسی به این نتیجه رسیدند که دو ویژگی معنایی انتقال‌یافته توسط طرح‌واره، نقش‌های معنایی و نوع کنش/نمود فعل هستند و نه‌تنها فعل سبک از حیث محتوای معنایی تهی نیست، بلکه حافظ ویژگی‌های معنایی فعل اصلی متناظر است. فامیلی (۲۰۰۶: ۱۶۴) به بررسی فضای معنایی افعال سبک زبان فارسی از منظر دستور ساختی پرداخته است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر ساخت افعال سبک فارسی به‌صورت نیمه‌اصطلاحی یا عبارات ترکیبی اصطلاحی هستند. معنای منحصربه‌فرد همیشه متأثر از معنای هسته‌ای افعال سبک و ساختار معنایی فعل مرکب است. باوجود اینکه معنای فعل سبک از نظر ترکیب در این ساخت‌ها مشهود نیست، وجود معنا در پیش‌زمینه قابلیت پیش‌بینی جزئی نوع کنش را فراهم می‌سازد. وی مدعی شده است که ساخت افعال سبک فارسی بین دستور و واژگان قرار گرفته است و پدیده‌های معینی از جمله ساخت‌های چندگانه شامل ساختار نحوی خاص نشان‌دهنده وجود سلسله‌مراتب ساخت‌ها هستند.

تاکنون مطالعات زیادی در حوزه‌های آوایی و واجی، صرفی و نحوی زبان سمنانی صورت گرفته است که می‌توان به برخی از پژوهش‌ها از جمله مجیدی (۱۳۵۸)، کلباسی (۱۳۸۴)، سراج (۱۳۸۷)، حشمتی رضوی (۱۳۸۹)، داوری (۱۳۸۹)، صفایی و درویشعلی پورآستانه (۱۳۸۹)، محمد ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۹)، جوکار (۱۳۹۲) و مرادی (۱۳۹۲) اشاره کرد. اما تاکنون پژوهشی

در زمینه بررسی افعال مرکب و مشخصاً افعال سبک در زبان سمنانی صورت نگرفته است.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به بحث فضای معنایی رویکرد دستور ساختی<sup>۷</sup> به عنوان مبانی نظری استفاده شده است که در ادامه جزئیات هریک از رویکردها تشریح خواهد شد:

#### ۳-۱. دستور ساختی

کرافت<sup>۸</sup> (۲۰۰۷: ۴۶۳) معتقد است یکی از اصول بنیادین در دستور ساختی این است که هر ساخت نحوی درحقیقت یک ساخت را تشکیل می‌دهد و هر ساختی شامل همجواری هم‌زمان صورت و معناست و چنین ساخت‌هایی در شبکه سازمان‌دهی می‌شوند. مفهوم ساخت انگاره<sup>۹</sup> یکپارچه و منسجمی برای بازنمایی تمام دانش دستوری از جمله نحو، صرف و واژگان است. فیلمور، کای و اوکانور<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۸) مدعی شدند که اصطلاحات به‌عنوان شاهدهی برای وجود ساخت پذیرفته شده‌اند. ساخت‌ها درحقیقت ابزارهای بازنمایی نحوی و نیز شامل اطلاعات معنایی و واجی هستند. ساخت‌ها همانند عناصر واژگانی در انگاره<sup>۱۱</sup> مؤلفه‌ای<sup>۱۲</sup> وجود دارند. آن‌ها اطلاعات منحصر به فرد یا واجی، نحوی و معنایی را با همدیگر مرتبط می‌سازند. تفاوت بین عناصر واژگانی و ساخت‌ها در جوهری<sup>۱۳</sup> و هسته‌ای بودن (واحدهای نحوی کمینه) دسته اول و در طرح‌واره‌ای و پیچیدگی (شامل بیش از یک عنصر نحوی) دسته دوم است (کرافت، ۲۰۰۷: ۴۶۸). کرافت و کروز<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۴: ۲۵۵-۲۵۹) معتقدند یکی از فرضیات بنیادین دستور ساختی این است که بازنمایی یکپارچه<sup>۱۵</sup> دانش دستوری در ذهن گویشور به‌صورت ساخت‌های تعمیم یافته وجود دارد. دستور ساختی شامل تعداد زیادی ساخت از همه نوع از ساخت‌های نحوی طرح‌واره‌ای تا عناصر واژی جوهری است. تمام ساخت‌ها شامل ویژگی‌های صورت (نحوی و واجی) و معنا (معنی‌شناختی و کاربردشناختی) هستند و آن‌ها به شکل خاصی در ذهن گویشوران سازمان‌دهی شده‌اند. ساخت‌های دستوری در دستور ساختی شبیه واژگان در نظریه‌های نحوی دیگر شامل همجواری صورت و معنا هستند که تا حدی اختیاری‌اند. حتی ساخت‌های نحوی خیلی کلی شامل قواعد متناظر تفسیر معنایی هستند. بنابراین ساخت‌ها اساساً واحدهای

نمادین هستند و اصطلاح معنا بازنمایی‌کننده تمام جنبه‌های قراردادی‌شده نقش یک ساخت است که شامل نه‌تنها ویژگی‌های موقعیت پاره‌گفتار، بلکه ویژگی‌های گفتمانی پاره‌گفتار و موقعیت کاربردشناختی مشارکان است.

از منظر دستور ساختی، موجودیت هر ساخت به این عامل بستگی است که برخی از ویژگی‌های ساخت از طریق دانش ساخت‌های دیگر در دستور کاملاً قابل پیش‌بینی نباشد. الگوهای گروهی ساخت شمرده می‌شوند، اگر برخی از چیزها درباره صورت یا معنایشان از طریق ویژگی‌های اجزای سازنده آن‌ها یا از طریق ساخت‌های دیگر کاملاً قابل پیش‌بینی نباشند. به عبارت دیگر، ساخت در دستور وجود دارد اگر معنا یا صورت آن از نظر ترکیبی و انباشتی حاصل ساخت‌های دیگر موجود در زبان نباشد (گلدبرگ<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۵: ۴). در دستور ساختی مرز قاطعی بین واژگان و نحو وجود ندارد. ساخت‌های واژگانی و نحوی شامل هم‌جواری صورت و معنا هستند. در دستور ساختی مرز قاطعی بین معنی‌شناسی و کاربردشناسی وجود ندارد.

### ۲-۳. افعال سبک و چند معنایی

مطالعات در زمینه افعال مرکب نشان می‌دهند که افعال سبک به‌عنوان هسته این ساخت‌ها سهمی در مدخل نقش تئای افعال مرکب ندارند و فاقد محتوای معنای واژگانی هستند. بنابراین رابطه معنایی بین فعل سبک و فعل اصلی متناظر آن وجود ندارد؛ اما براگمن<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۱: ۵۵۱) چنین فرضیاتی را رد کرده است. وی با مطالعه رابطه بین ساخت چندمعنایی افعال اصلی و فعل سبک متناظر آن‌ها، معتقد است که افعال سبک به‌طور نظام‌مند همانند فعل اصلی متناظر خود در حفظ ویژگی‌های نیروی محرکه<sup>۱۵</sup> نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ اما حوزه مفهومی در فعل سبک به‌عنوان محملی برای جولان ساختار نیروی محرکه از حوزه فیزیکی به روان‌شناختی تغییر می‌یابد. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که علیرغم غیرقابل پیش‌بینی بودن کامل معنایی ساخت‌های فعل سبک، ساختار معنایی فعل سبک تا حدی نظام‌مند و شفاف است. براگمن (همان: ۵۵۶) معتقد است افعال سبک در سطح گفتمانی توزیع اطلاع را تسهیل می‌کنند. همان‌طوری‌که هاپر<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۱: ۴۱۰) اشاره کرده است، افعال سبک ایده‌ها و مفاهیم کلامی را در سطح چندین واحد واژگانی پراکنده می‌سازند. براگمن (همان: ۵۵۷) همچنین مدعی شد که ملاحظات پردازش اطلاعات عاملی

در تولید ساخت‌های فعل سبک است. افعال سبک کارکرد پیوستگی گفتمان را تقویت می‌کنند. چنین ویژگی‌های افعال سبک این ایده را تقویت می‌کند که این افعال دارای نقش دستوری، گفتمانی و یا پردازشی و نه معنایی هستند. وجود ویژگی‌های نقشی ساخت فعل سبک غیرقابل انکار است؛ اما وجود چنین نقشی ویژگی‌های معنایی و چندمعنایی افعال سبک را رد نمی‌کند. یکی از شیوه‌های مفید در بحث معناشناختی افعال انتزاعی نظیر افعال سبک نیروی محرکه است. طرح‌واره‌های نیروی محرکه با ساخت‌های شناختی برآمده از تعاملات بین موجودیت‌ها نسبت به نیرو از جمله اعمال نیرو، مقاومت در برابر نیرو، غلبه بر مقاومت، سدکردن نیرو و غیره مرتبط است. چنین طرح‌واره‌ای اصول بنیادین سازمان‌دهی معنای واژگانی یا واژگان دستور و تمایزات واژگانی را می‌سازد. این اصول جهان‌شمول هستند؛ اما سازمان‌دهی و تظاهر آن در زبان‌های مختلف متفاوت است. اصطلاح نیروی محرکه ابتدا توسط تالمی<sup>۱۷</sup> (۱۹۸۵) مطرح شد. مفهوم نیروی محرکه تالمی با مفهوم منبع انرژی<sup>۱۸</sup> لانگاکر شباهت دارد. مشهورترین رمزگذاری زبانی نیروی محرکه در حوزه شناختی - دلالتی، کنش فیزیکی است که افعالی نظیر «مجبور کردن، پرت کردن و غلبه کردن» کنش‌هایی دارای نیروی فیزیکی و اساساً حرکت مشارکان در رویدادها را واژگانی می‌سازند. البته ساخت‌ها و تکواژهای دستوری نیز ممکن است باعث رمزگذاری تمایزات نیروی محرکه شوند (براگمن، ۱۹۹۵: ۵۵۸). نیروی محرکه افعال سبک نقش مهمی در تعیین نقش‌های معنایی موضوعات (مشارکان) دارد. منبع انرژی فیزیکی باعث تمایز بین نقش‌های عامل و کنش‌پذیر می‌شود؛ اما ذهنی بودن و یا فیزیکی بودن نیرو و یا هر دو باعث تمایز نقش عامل از تجربه‌گر (منبع انرژی در حوزه فیزیکی و اما گیرنده انرژی<sup>۱۹</sup> در حوزه روان‌شناختی است) و سبب (باعث تغییر و یا تأثیر بر ادراک تجربه‌گر می‌شود، اما هیچ انرژی در هیچ حوزه‌ای ذخیره نمی‌شود) می‌شود (همان: ۵۶۰). بنابراین براگمن (همان: ۵۷۶) معتقد است که افعال سبک دارای معنا و نه فقط نقش هستند و تمام واژگان از نظر کاربردهای اصلی و سبکشان چندمعنا هستند. وی در مطالعه برخی افعال سبک در زبان انگلیسی اشاره کرد که دو فعل سبک «گرفتن و داشتن» چندمعنا هستند و اما شواهدی برای چندمعنایی فعل سبک «دادن» وجود ندارد.

### ۳-۳. جزایر معنایی

فامیلی (۲۰۰۶: ۵۰۰-۵۴) تقسیم‌بندی گروه‌های مختلف افعال سبک را براساس اجزای غیرفعلی، «جزیره» نامیده است. جزایر خوشه‌هایی از ساخت‌های افعال سبک هستند که بازنمایی‌کننده مفاهیم زبانی مشابه براساس فعل سبک واحد و رده خاصی از اجزای غیرفعلی هستند و جزایر براساس ویژگی‌های غیرفعلی تعیین می‌شوند. هر جزء غیرفعلی دارای ویژگی‌هایی است که معانی معینی از فعل سبک را می‌سازد و معنایی متفاوت از معنای اصلی هریک از مؤلفه‌های فعل مرکب حاصل می‌شود. هر جزیره دارای ساختار زیرساختی است که اطلاعات را رمزگذاری می‌کنند. هر ساخت فعل سبک متعلق به افعال سبک دیگر است، به طوری که اجزاء غیرفعلی مشابهی دارند و مفاهیم زبانی مشابهی را بازنمایی می‌کنند، مثلاً گچ گرفتن، طلا گرفتن و سیمان گرفتن که همگی بازنمایی‌کننده معنای پوشش هستند و همچنین عذاب کشیدن، رنج کشیدن، انتظار کشیدن. جزایر گروه‌هایی از افعال سبک هستند که رده‌ای از جزء غیرفعلی با فعل سبک خاصی جهت تولید افعال سبک متفاوت با معانی کاملاً مرتبط ترکیب می‌شود. چنین الگوهای می‌توانند در ساخت‌ها قابل پیش‌بینی باشند. هر ساختی شامل فعل سبک خاص، معنای کلی ساخت و نوع خاصی از جزء غیرفعلی است که از طریق ویژگی‌های مشترک از جمله ویژگی‌های فیزیکی، ادراکی، معنایی و دانش جهان واقعی تعریف می‌شوند. چنین معنایی اطلاعات نمودی و نحوی و همچنین اطلاعات معنایی منحصر به فرد مرتبط با آن را به تصویر می‌کشد. هر فعل سبک می‌تواند دارای جزایر مختلف باشد و هرچه بسامد فعل سبک بیشتر باشد، تعداد جزایر آن هم بیشتر خواهد بود.

### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و پیکره‌ای است که پیکره پژوهش شامل *واژه‌نامه گویش سمنانی* جواهری و پژوهش شریعتی (۱۳۸۷)، کتاب *سمنی واچا* تألیف خالصی (۱۳۸۸)، کتاب *پکه‌پور* تألیف عندلیب سمنانی (۱۳۸۸)، کتاب *آموزش گویش سمنانی* تألیف پژوهش شریعتی و خالصی (۱۳۹۲) و گفتار ۵۰ نفر از گویشوران سمنانی است. افعال مرکب حاوی فعل سبک کردیون، بوکواتیون و بتیون از پیکره پژوهش استخراج شده‌اند که درحقیقت سازه‌های غیرفعلی در افعال مرکب نقش اساسی را در شکل‌گیری فضای معنایی فعل سبک ایفا می‌کنند.

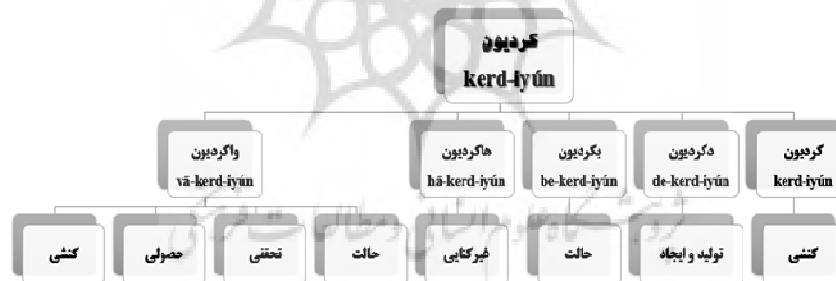


## ۵. فضای معنایی افعال سبک کردیون، بوکواتیون و بتیون

در این بخش فضای معنایی افعال سبک از منظر دستور ساختی، بررسی می‌شوند.

### ۵-۱. کردیون

در زبان سمنانی، فعل سبک «کردیون» به معنای انجام دادن است و مشتقات آن شامل هاگردیون (hā-kerd-iyún)، واگردیون (vā-kerd-iyún)، بگردیون (be-kerd-iyún) و دگردیون (de-kerd-iyún) است. از بین افعال سبک مذکور دگردیون معنایی متفاوت از سایر مشتقات فعل سبک کردیون دارد که درحقیقت پیشوند صرفی «د» به معنای داخل‌کردن است و نقش قیدی دارد. همچنین داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که فعل مرکب حاصل از سازه غیرفعلی و جزء فعلی مذکور از نوع انضمامی<sup>۲۰</sup> است. بنابراین در پژوهش حاضر از این فعل مذکور صرف‌نظر شده است؛ زیرا پژوهش منحصراً به ساخت ترکیبی پرداخته است. شکل ۱ فضای معنایی فعل سبک کردیون و مشتقات آن را به نمایش گذاشته است. در ادامه برخی از نمونه‌های ترکیبات سازه‌های غیرفعلی و افعال سبک کردیون، هاگردیون، واگردیون و بگردیون ارائه می‌شود:



شکل ۱: فضای معنایی فعل سبک کردیون و مشتقات آن

Figure 1. Degree of lightness of verbal part in Persian compound predicates

۱-۵. نمونه‌هایی از فعل مرکب دارای فعل سبک کردیون (kerd-iyún):

توون (tövún) کردیون (جریمه کردن)، تیر (tir) کردیون (تحریک کردن)، جیل جیل (Jil Jil) کردیون (جویده حرف زدن)، چاخ (čāx) کردیون (بزک کردن)، چسکی (česki) کردیون (ترشح کردن)، چول (čül) کردیون (سوت زدن).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که افعال مرکب حاصل از سازه‌های غیرفعلی و فعل سبک کردیون دارای معنای کنش<sup>۲۱</sup> است و یکی از شاخص‌های صرفی چنین فعل مرکبی این است که سازه‌های غیرفعلی حاصل فرایند دوگان‌سازی<sup>۲۲</sup> تنها در ترکیب فعل مرکب مذکور به کار می‌روند. مثلاً پرکه پرکه (parká parká) کردیون (قیمه‌قیمه کردن)، تلق تلق (taléq taléq) کردیون، چلپ چلپ (čelép čelép) کردیون، قاشی قاشی (qā'šī qā'šī) کردیون (قاچ قاچ کردن)، فیت فیت (fit fit) کردیون (نق نق کردن)، ویل ویل (vil vil) کردیون (وول وول کردن).

چنین فرایند دوگان‌سازی در هیچ‌کدام از افعال مرکب دارای مشتقات فعل کردیون مشاهده نشده است. بنابراین دوگان‌سازی جزء غیرفعلی چنین فعل مرکبی وجه تمایز آن نسبت به سایر افعال مرکب دارای مشتقات فعل سبک کردیون است.

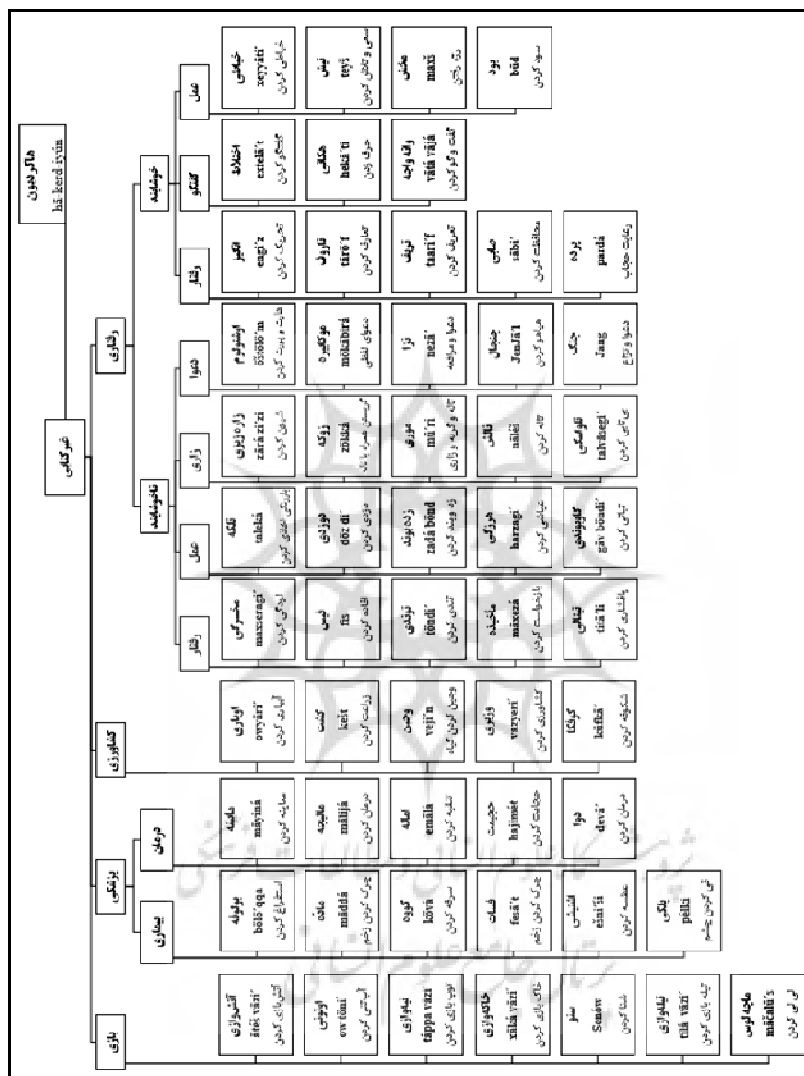
۲-۵. نمونه‌هایی از فعل مرکب دارای فعل سبک هاگردیون (hā-kerd-iyún)

زوکه (zökká) هاگردیون (گریستن با ناله)، سر تور (sar tör) هاگردیون (سرریز کردن)، سری (sári) هاگردیون (سرک کردن ترازو)، شی (ši) هاگردیون (شوهر کردن)، مشخ (mašx) هاگردیون (رژه رفتن)، مورغونه (mörqöná) هاگردیون (تخم گذاردن).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که افعال مرکب حاصل از جزء غیرفعلی و فعل سبک هاگردیون از نوع افعال کنشی<sup>۲۳</sup> هستند و به نظر می‌رسد که وجه تمایز این گونه افعال مرکب نسبت به فعل مرکب دارای جزء فعلی کردیون این است که کنشگر چنین افعال مرکبی دارای قدرت<sup>۲۴</sup> بیشتری است؛ چنین نتیجه‌ای حاصل بررسی‌های کاربرد فعل سبک هاگردیون در متن گفتاری گویشوران زبان سمنانی است و همچنین افعال مرکب دارای همکرد هاگردیون گویای چنین وجه تمایزی هستند. وندلر<sup>۲۵</sup> (۱۹۶۷) افعال را از منظر نظریه نوع<sup>۲۶</sup> عمل به چهار دسته تقسیم کرده است: حالت‌ها<sup>۲۷</sup> مانند افعال: مریض بودن، دوست داشتن، دانستن، معتقد بودن، حصولی‌ها<sup>۲۸</sup> مانند افعال: ترکیدن، منفجر شدن، پژمردن، پراکنده شدن، تحقیقی‌ها<sup>۲۹</sup>

مانند افعال: نوب‌شدن، یخ‌بستن، خشکیدن، آموختن و کنشی‌ها<sup>۲۰</sup> مانند افعال: قدم‌زدن، شناکردن، فکرکردن، نوشتن، نوشیدن. افعال حالت نشان‌دهنده موقعیت‌های ایستایی هستند که ذاتاً از نظر زمانی غیرمقید<sup>۲۱</sup> (غیرغایت‌مند<sup>۲۲</sup>) هستند و افعال حصولی و تحقق‌ی بازنمایی‌کننده تغییرات حالت هستند که ذاتاً از نظر زمانی مقید<sup>۲۳</sup> (غایت‌مند<sup>۲۴</sup>) هستند: افعال حصولی خلاف تحقق‌ی آنی<sup>۲۵</sup> هستند. افعال کنشی پویا و از نظر زمانی غیرمقید (غیرغایت‌مند) هستند. علاوه بر چهار نوع فعل، نوع دیگر، افعال تک‌وقوعی<sup>۲۶</sup> نامیده می‌شود: تک‌وقوعی‌ها رخداد‌های آنی هستند که نتیجه پایداری ندارند، نظیر سرفه‌کردن، برق‌زدن، سوسوزدن. از نظر بین‌زبانی رابطه اشتقاقی<sup>۲۷</sup> بین دو طبقه از افعال کنشی و تحقق‌ی وجود دارد که تحقق‌ی‌های کنشی<sup>۲۸</sup> نامیده می‌شود. تحقق‌ی‌های کنشی کاربرد غایت‌مند افعال کنشی را دربر می‌گیرند، مثلاً به طرف پارک دویدن (ون ولین<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۵: ۳۱-۳۳). وجه تمایز دیگر بین دو نوع فعل مرکب این است که افعال ایستایی از جمله موری‌هاکردیون (گریه و زاری کردن)، زوکه‌هاکردیون (گریستن با ناله)، زاره‌زیزی‌هاکردیون (شیون‌کردن)، دلسوزی‌هاکردیون در افعال مرکب دارای جزء فعلی‌هاکردیون، براساس بررسی‌های آماری، بسیار بیشتر از فعل مرکب دارای فعل سبک‌کردیون است و همچنین نام‌آواها تنها در افعال مرکب دارای جزء فعلی‌هاکردیون مشاهده می‌شود. گفتنی است که دسته‌بندی معنایی افعال مرکب دارای همکرد‌هاکردیون و دیگر افعال مرکب براساس پیکره متنی انجام شده است. ابتدا افعال مرکب مذکور از پیکره متنی و همچنین *واژه‌نامه زبان‌سمنانی* استخراج شده‌اند و سپس براساس رفتار معنایی متفاوت هریک از افعال مرکب مذکور در جزایر معنایی جداگانه‌ای دسته‌بندی شده‌اند. شکل ۲ جزایر معنایی فعل سبک‌هاکردیون را نشان می‌دهد.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

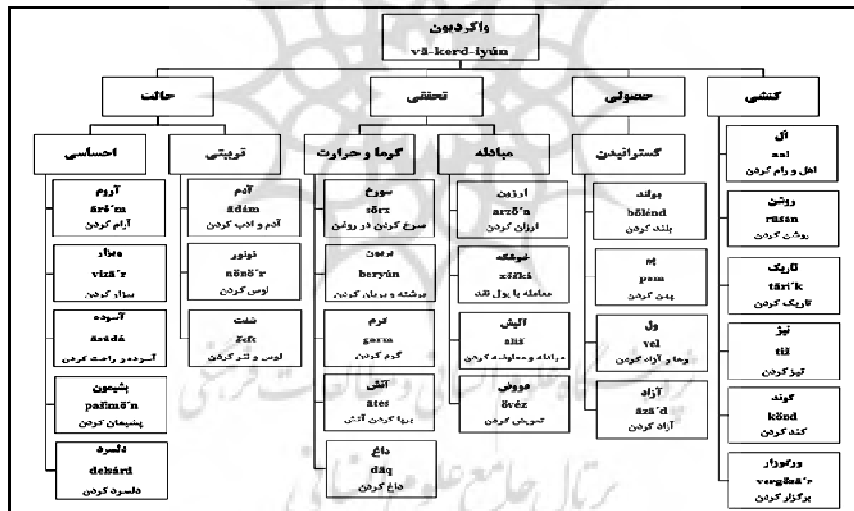


شکل ۲: جزایر معنایی فعل سبک هاکریدون  
 Figure2. Semantic space of light verb of *Kerd-iyun* and its derivations

۳-۱-۵. افعال مرکب دارای جزء فعلی واگردیون (vā-kerd-iyún)

خیط (xit) واگردیون (بور و شرمنده کردن)، روون (ravún) واگردیون (روان کردن)، زنده (zandá) واگردیون، سیوا (sivá) واگردیون (جدا کردن)، شرین (šeri'n) واگردیون (شیرین کردن)، شفت (šeft) واگردیون (لوس کردن).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر افعال مرکب حاصل از سازه‌های غیرفعلی و فعل سبک واگردیون دارای مفهوم سببیت و حالت کنایی<sup>۴</sup> هستند و براساس تقسیم‌بندی معنایی افعال از منظر وندلر، تمامی افعال مرکب مذکور از نوع افعال تحقق‌ی هستند. بنابراین براساس چنین مشخصه معنایی می‌توان چنین افعال مرکبی را از دیگر افعال مرکب دارای فعل سبک واگردیون و مشتقات دیگر آن تمییز داد. شکل ۳ جزایر معنایی فعل سبک واگردیون را نشان می‌دهد.

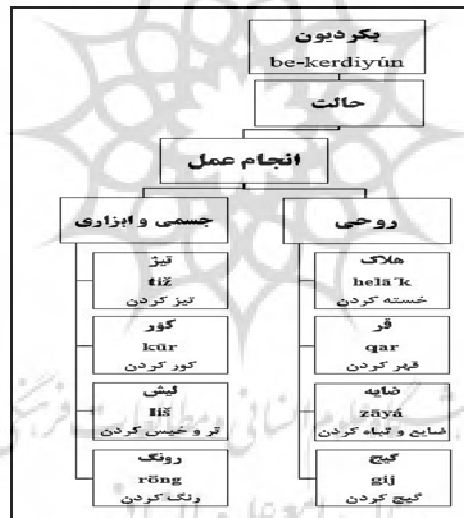


شکل ۳: جزایر معنایی فعل سبک واگردیون  
Figure 3. Semantic islands of light verb of Hā-kerd-iyún

۴-۱-۵. افعال مرکب دارای فعل سبک بکردیون (be-kerd-iyún)

قائم (qāām) بکردیون (پنهان کردن)، گریه کج (geryá kaj) بکردیون (گردن کج کردن)، لیش (liš) بکردیون (تر، خیس کردن)، نشت (našt) بکردیون (کثیف کردن)، یخه تکه (yaxá teká) بکردیون (یقه پاره کردن).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر افعال مرکب حاصل از ترکیب سازۀ غیرفعلی و فعل سبک بکردیون از نوع افعال حالت هستند. نکته قابل توجه در زمینۀ کاربرد فعل سبک بکردیون این است که فعل سبک مذکور نسبت به افعال سبک کردیون و سایر مشتقات آن دارای بسامد نوع<sup>۴</sup> بسیار کمتری است و تعداد سازه‌های غیرفعلی شرکت‌کننده در ساخت فعل مرکب دارای فعل سبک بکردیون بسیار اندک هستند.



شکل ۴: جزایر معنایی فعل سبک بکردیون

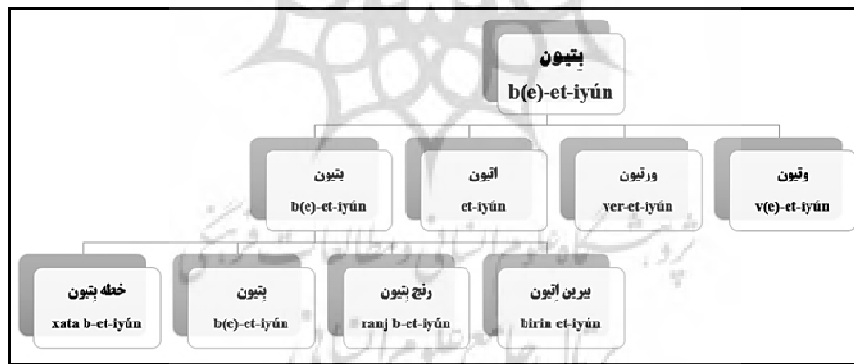
Figure 4. Semantic islands of light verb of Vā-kerd-iyún

تجزیه و تحلیل پیشوندهای اشتقاقی در افعال سبک کردیون، هاگردیون، واکردیون و

بکردیون نشان می‌دهد که پیشوندهای صرفی «ها، وا و ب» در افعال سبک هاگردیون، واگردیون و بکردیون تمییزدهنده معنای افعال مرکب حاصل از هریک از افعال سبک مذکور است و درحقیقت می‌توان نتیجه گرفت که سازوکارهای صرفی در زبان سمنانی نشان‌دهنده تعامل میان حوزه صرف و معنی‌شناسی هستند و چنین تعاملی در زبان سمنانی نشان‌دهنده نقش برجسته نظام صرفی در رمزگذاری معناست. همچنین داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در موارد نادری ممکن است سازه غیرفعلی هم‌زمان با دو فعل سبک مثلاً کردیون و هاگردیون به‌کار رود که نمونه فعل مرکب عبارت است از تنقیه (tanqiyá) کردیون = تنقیه هاگردیون: اماله کردن و تنقیه کردن که تمایز معنایی ایجاد نمی‌کنند. شکل ۵ جزایر معنایی فعل سبک بکردیون را نشان می‌دهد.

## ۲-۵. فعل سبک بتیون و مشتقات آن

فعل سبک بتیون دارای چهار جزیره بزرگ معنایی خَطَه (xatá) بتیون (رسم کردن)، بتیون (کشیدن)، رنج بتیون (رنج کشیدن) و بیرین اتیون (birí n et-iyú n) (ساطع کردن) است.



شکل ۵: فضای معنایی فعل سبک بتیون و مشتقات آن

Figure 5. Semantic islands of light verb of *Be-kerd-iyún*

نمونه‌هایی از فعل سبک بتیون و مشتقات آن عبارت است از:

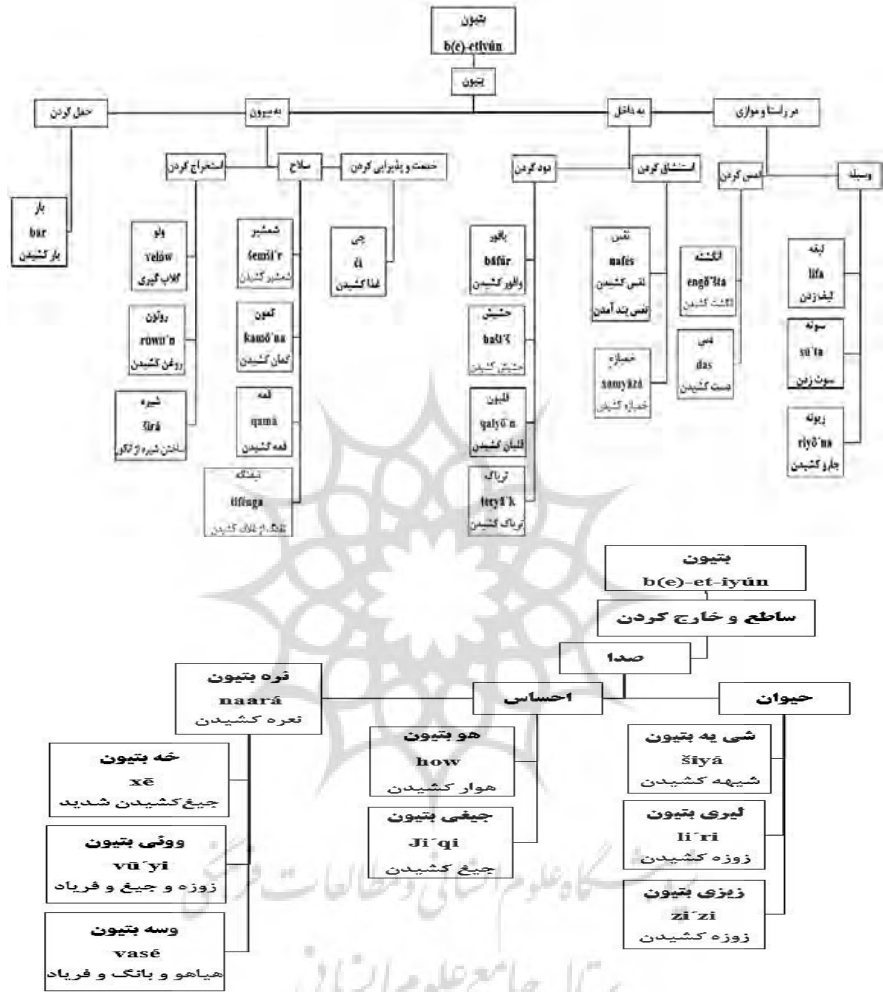
۱-۲-۵. نمونه‌هایی از فعل سبک بتیون (b(e)-et-iyu'n)

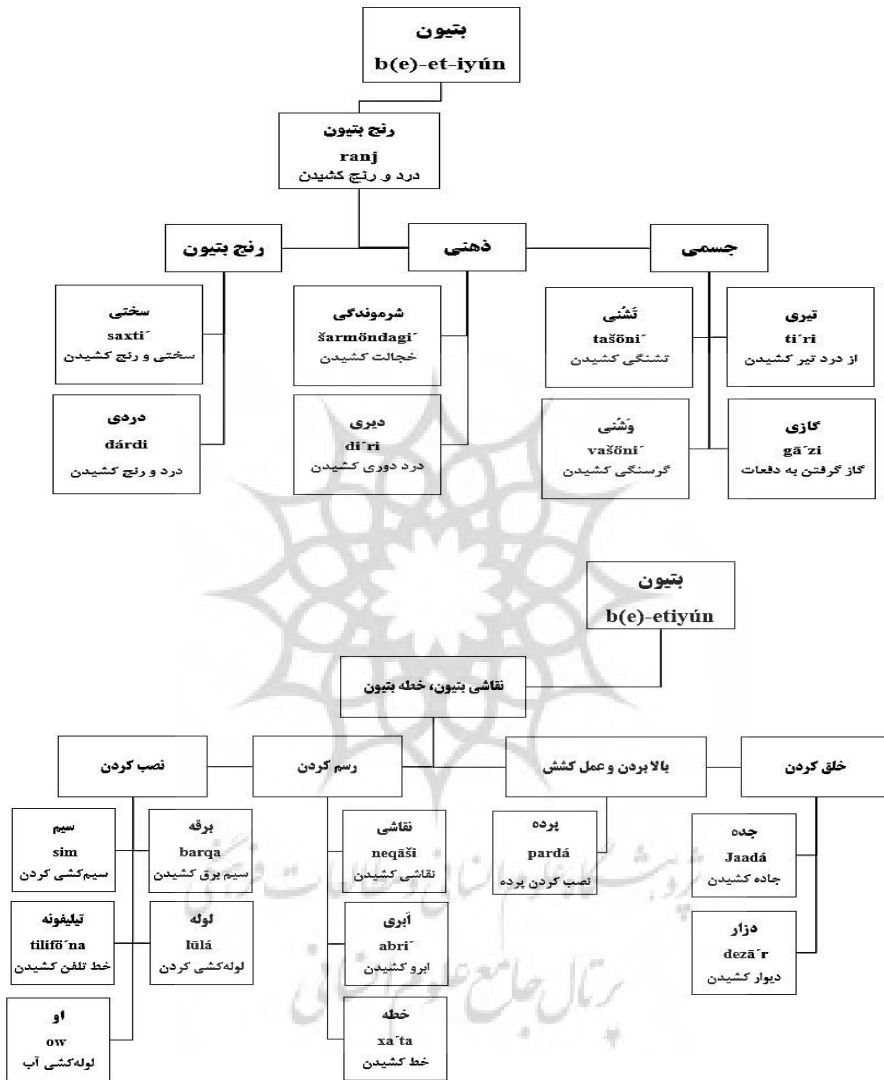
دزار (dezá'r) بتیون (دیوار کشیدن)، روئون (rūwū'n) بتیون (روغن کشیدن)، ریونه (riyö'na) بتیون (جارو کشیدن)، ستیجه (setijá) بتیون (سماجت کردن)، شوخین (šowxi'n) بتیون (شیخون زدن)، او (ow) بتیون (۱. بیرون کشیدن آب از چاه، ۲. لوله‌کشی آب، ۳. آب کشیدن لباس).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که افعال مرکب دارای فعل سبک بتیون بیشتر از نوع کنشی و در مرتبه بعدی از نوع افعال حالت هستند. همچنین داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که جزء غیرفعلی افعال مرکب دارای فعل سبک بتیون بیشتر نشان‌دهنده ویژگی‌های رفتاری از جمله خجالت بتیون (خجالت کشیدن)، خه بتیون (جیغ کشیدن شدید)، شیلون (šilö'n) بتیون (شلوغ کردن)، غیه (qiyá) بتیون (جیغ کشیدن)، فریا (feryá') بتیون (فریاد کشیدن)، نره (naará) بتیون (نعره کشیدن) و وسه (vasé) بتیون (فریاد کشیدن) است. همچنین داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمام اجزاء غیرفعلی مواد مخدر با فعل سبک بتیون به کار می‌روند که از جمله می‌توان به مواردی مانند بافور (bāfūr) بتیون (بافور کشیدن)، تریاک بتیون (تریاک کشیدن)، حشیش بتیون (حشیش کشیدن) و شیره (širá) بتیون (شیره ماده مخدر) کشیدن (به معنای ساختن شیره از انگور نیز هست) اشاره کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیشوند «ب» در فعل سبک بتیون نشان‌دهنده جزایر معنایی خاصی است و همچنین چنین پیشوندی نشان‌دهنده تعامل میان حوزه صرف و معنی‌شناسی است. شکل ۶ جزایر معنایی فعل سبک بتیون را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





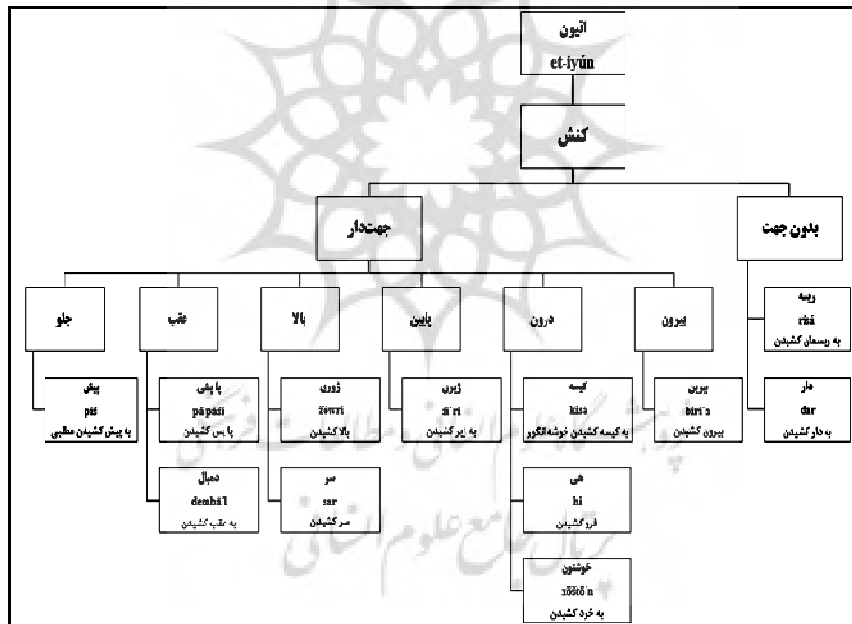


شکل ۶: جزایر معنایی فعل سبک بیتون

Figure6. Semantic space of light verb of B(e)-et-iyún and its derivations

۲-۵. نمونه‌هایی از فعل سبک اتیون (et-iyu'n)

پاپشی (pā páši) اتیون (پا پس کشیدن)، پیش (piš) اتیون (به پیش کشیدن مطلبی)، دمبال (dembā'1) اتیون (عقب کشیدن)، ژوری (žōwri) اتیون (بالا کشیدن)، ژیری (žī'ri) اتیون (پایین کشیدن)، هی (hi) اتیون (فرو کشیدن، پایین کشیدن، وادار به اقرار کردن، مطلبی را قاپیدن). این داده‌ها نشان می‌دهد که اغلب اجزاء غیرفعلی فعل مرکب دارای فعل سبک اتیون از نوع قید هستند که نشان‌دهندهٔ جهات چهارگانه هستند و چنین اجزای غیرفعلی هرگز با سایر مشتقات افعال سبک بتیون به‌کار نمی‌روند. بنابراین داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که تعامل بین صرف و معنی‌شناسی در زبان سمنانی وجود دارد. شکل ۷ جزایر معنایی فعل سبک اتیون را به نمایش گذاشته است.

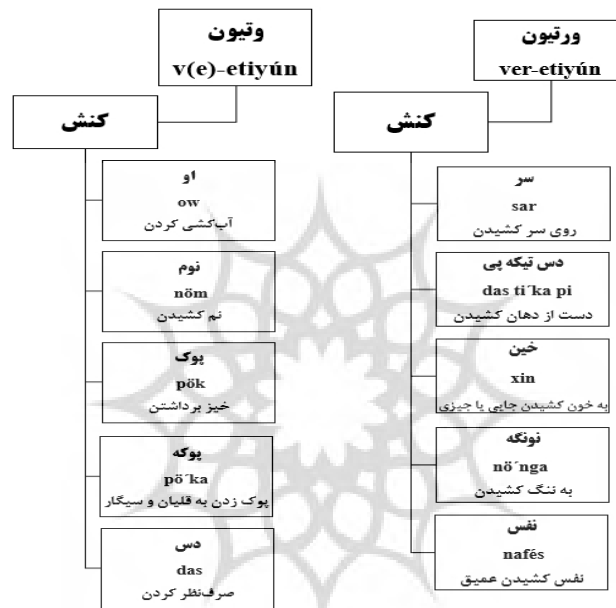


شکل ۷: جزایر معنایی فعل سبک اتیون

Figure 7. Semantic islands of light verb of B(e)-et-iyu'n

۳-۲-۵. وتیون (v(e)-et-iyún)

ظرفی او (zárfi ow) وتیون (آب کشیدن ظروف)، نوم (nöm) وتیون (نم کشیدن = نوم بتیون)، او (ow) وتیون (آب‌کشی کردن پارچه و جامه).



شکل ۸: جزایر معنایی افعال سبک وتیون و ورتیون  
 Figure 8. Semantic islands of light verb of Et-iyún

داده‌های پیکره پژوهش نشان می‌دهد که بسامد فعل سبک وتیون نسبت به سایر افعال سبک بسیار پایین است و تنها سه نمونه در پیکره یافت شده است که درحقیقت جزء غیرفعلی فعل سبک مذکور آب و نم است. البته نم همراه دو فعل سبک وتیون و بتیون به‌کار می‌رود. بنابراین چنین نمونه‌ای نشان‌دهنده همپوشی معنایی فعل سبک بتیون و وتیون در برخی موارد است.

#### ۴-۲-۵. ورتیون (ver-et-iyún)

دس تیکه پی (das tí'ka pi) ورتیون (پاشنه دهان را کشیدن)، نفس (nafés) ورتیون (نفس عمیق کشیدن)، آ (ā) ورتیون (آه کشیدن به طور عمیق، آه از دل بر کشیدن)، آویاسی (āviyā'si) ورتیون (آه کشیدن، آه از دل بر آوردن)، پاشنه (pāšná) ورتیون (پاشنه ورکشیدن، کتایه از همت کردن در انجام کاری است)، کوله (kōlá) ورتیون (تویی استخر را کشیدن و آب را جاری کردن).

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که اجزای غیرفعلی فعل سبک ورتیون بیشتر پاشنه، سر و کوله هستند. نکته قابل توجه در پیکره پژوهش این است که اجزای غیرفعلی آ (آه) و نفس به همراه دو فعل سبک بتیون و ورتیون به کار می‌روند و اما معنای دو فعل مرکب با دو فعل سبک مذکور تاحدی متفاوت هستند. به عبارت دیگر، آ بتیون به معنای آه کشیدن و نفس بتیون به معنای نفس کشیدن است؛ اما آ ورتیون به معنای آه کشیدن عمیق و نفس ورتیون به معنای نفس عمیق کشیدن است. بنابراین پیشوندهای افعال سبک بتیون و ورتیون نقش اساسی را در تمایز معنایی جزئی و دقیق افعال مرکب ایفا می‌کنند و همچنین پیشوند «ور» متمایزکننده معنای فعل مرکب از سایر افعال سبک است و جزایر معنایی متنوعی را در بر گرفته است.

#### ۳-۵. فعل سبک بوکواتیون (bu-kkūwāt-iyún)

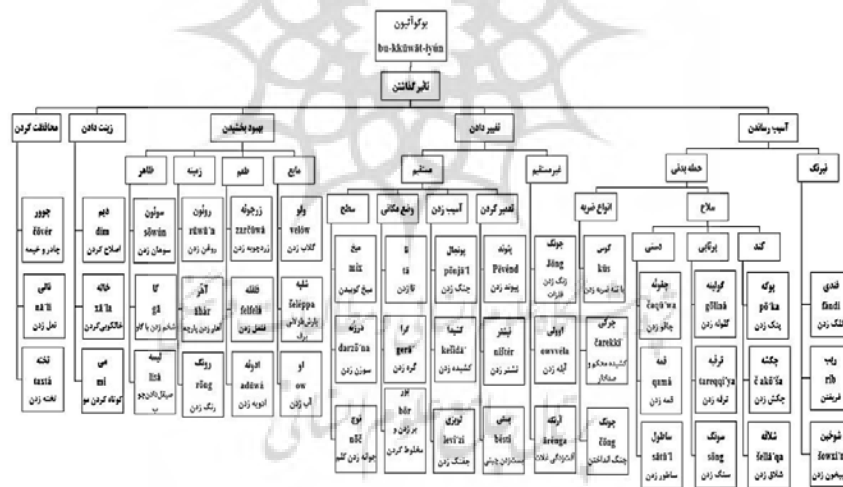
فعل سبک بوکواتیون دارای صورت دیگری بدون علامت مصدر کرواتیون (kūwāt-iyún) است که دارای هفت جزیره بزرگ از جمله کنش، واکنش، تأثیرگذاری، سوراخ کردن و منتقل کردن، حرکت خودکار، ساطع کردن و دزدیدن است که هریک از جزایر به جزایر کوچکتری تقسیم می‌شوند. شکل ۹ فضای معنایی افعال سبک بوکواتیون و کواتیون را نشان می‌دهد.

پرتال جامع علوم انسانی

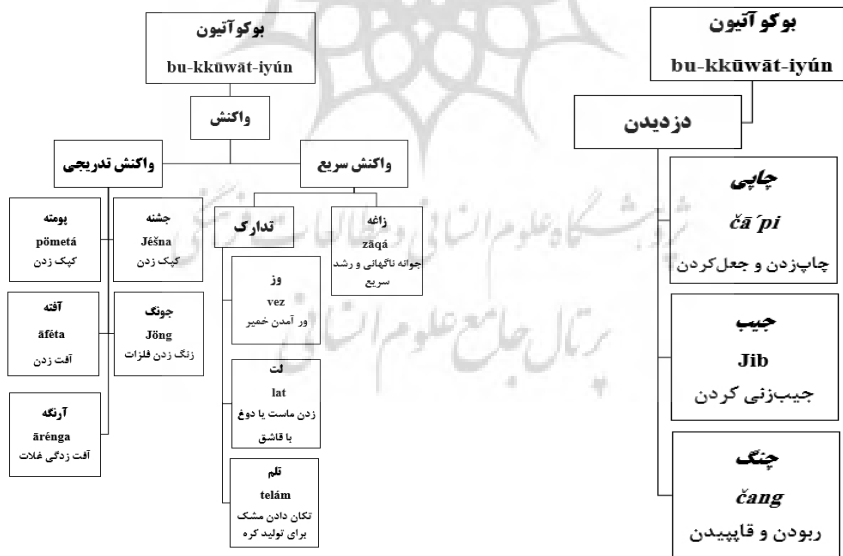
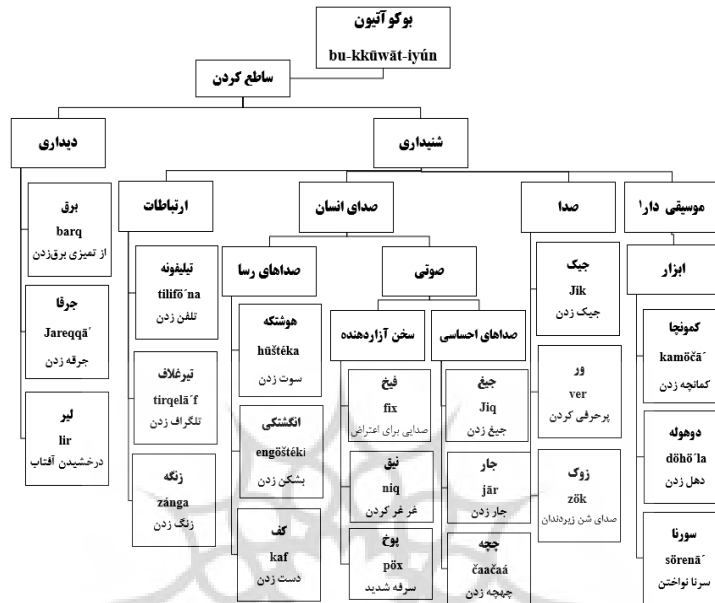


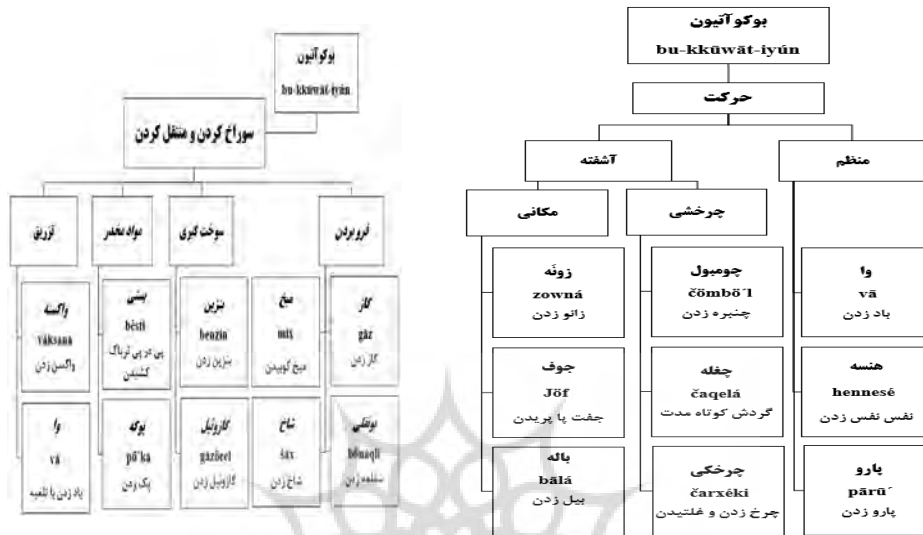
شکل ۹: فضای معنایی فعل سبک بوکواتیون و کواتیون  
Figure 9. Semantic islands of light verb of *V(e)-et-iyún* and *Ver-et-iyún*

فعل سبک بوکواتیون بیشترین جزیره معنایی این فضا را دربرگرفته است که شکل ۱۰ جزایر معنایی بوکواتیون را به نمایش گذاشته است.



شکل ۱۰: جزایر معنایی فعل سبک بوکواتیون  
Figure 10. Semantic space of light verb of *Bū-kuwāt-iyún* and *Kūwāt-iyún*





شکل ۱۱: جزایر معنایی فعل سبک بوکواتیون

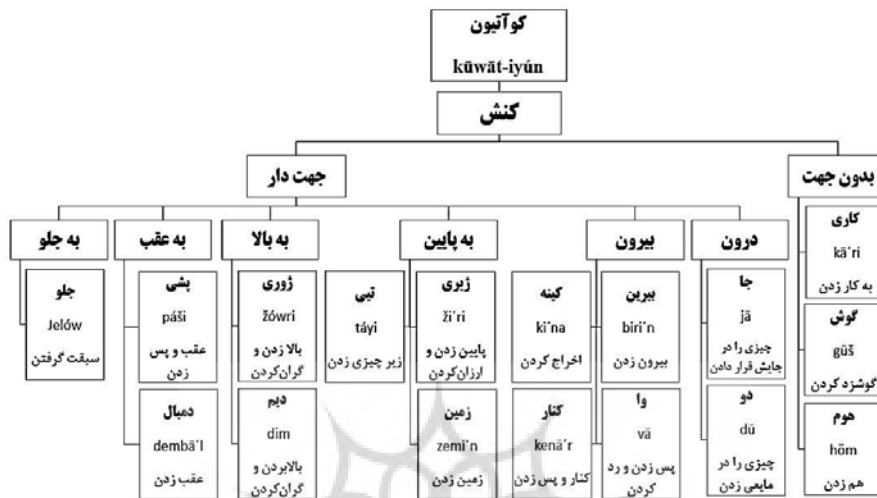
Figure 11. Semantic islands of light verb of Bū-kkūwāt-iyún

۱-۳-۵. کواتیون (kūwāt-iyún): نمونه‌هایی از فعل سبک کواتیون

پشی (páši) کواتیون (عقب زدن)، تیی (táyi) کواتیون (زیر چیزی زدن، ناخن را بیش از حد کوتاه کردن، از ته زدن ناخن)، جا (jā) کواتیون (جا زدن (از ترس از حق و ادعای خود گذشتن)، چیزی را در جای اصلی آن قرار دادن، چیزی را با فشار وارد جایش کردن، فروختن چیزی با فریب)، ژیری (žírí) کواتیون (۱. پایین زدن، ارزان کردن ۲. تبدیل بیماری به اسهال)، ژوری (žówri) کواتیون (۱. بالا زدن ۲. گران شدن قیمت ۳. تبدیل بیماری به استفراغ)، دمبال (dembā'1) کواتیون (عقب زدن).

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که اجزای غیرفعلی فعل سبک کواتیون عموماً قید هستند و چنین اجزای غیرفعلی به هیچ وجه به همراه فعل سبک بوکواتیون به کار نمی‌روند. بنابراین حضور/عدم حضور پیشوند مصدری «ب» نشان‌دهنده تمایز معنایی دو فعل سبک شده است و درحقیقت در مشتقات فعل بوکواتیون شاهد تعامل حوزه صرف و معنا هستیم. شکل ۱۱ جزایر معنایی فعل سبک کواتیون را نشان می‌دهد.





شکل ۱۲: جزایر معنایی فعل سبک کواآتئون

Figure 12. Semantic islands of light verb of Kūwāt-iyún

## ۶. نتیجه‌گیری

پیدایش زبان‌شناسی شناختی در دهه ۹۰ سرآغاز فصل نوینی در تبیین‌های شناختی ساخت‌های زبانی از جمله نحوی، صرفی و واج‌شناسی است. صاحب‌نظران دستور ساختی بر این باورند که زبان شامل مجموعه‌ای از ساخت‌هاست. هر ساختی شامل دو بخش صورت و معنی است که صورت شامل ویژگی‌های نحوی، صرفی و واجی و همچنین معنی شامل ویژگی‌های معنی‌شناختی، کاربردشناختی و گفتمانی است و رابطه‌ی نمادین بین دو بخش برقرار است. از این منظر می‌توان هر یک از افعال سبک را در زبان سمثانی به‌مثابه‌ی ساخت در نظر گرفت که شامل جزء غیرفعلی و فعل سبک است و هر فعل سبکی در این زبان هم شامل پیشوند اشتقاقی است. هرگونه تغییر صوری در ساخت باعث تغییر معنایی هم می‌شود که در زبان سمثانی تغییر پیشوندهای اشتقاقی در فعل مرکب تغییر معنایی در افعال سبک را به دنبال دارد. بنابراین پیشوند اشتقاقی در فعل سبک یک متغیر است که شکل‌گیری جزیره‌ی معنایی تنها از طریق چنین پیشوندی امکان‌پذیر است. مثلاً درباره‌ی فعل سبک کردیون و مشتقات آن می‌توان گفت که پیشوند می‌تواند تهی و یا شامل «ها، ب و وا» باشد. وقتی هر یک

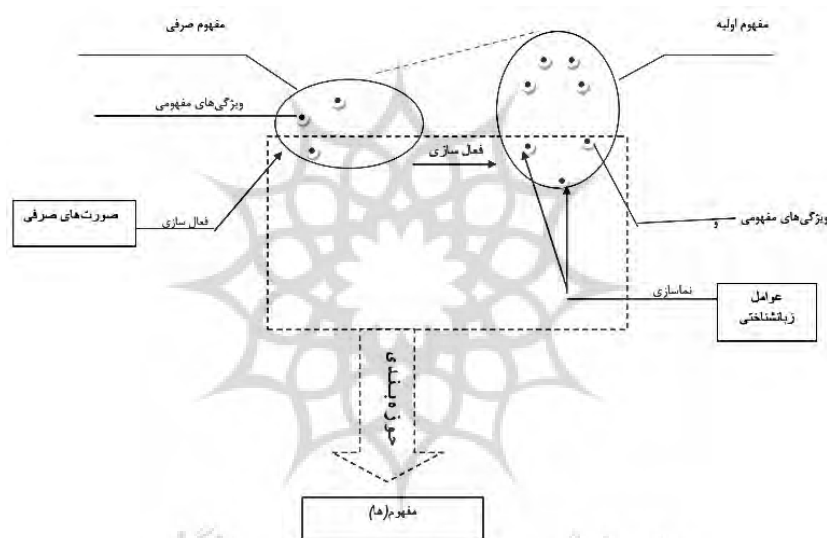
از این پیشوندها در ساخت قرار گیرد، جزایر معنایی آن فعل سبک مشخص می‌شود. درحقیقت پیشوندهای اشتقاقی در افعال سبک سمنانی یکی از نشانه‌های صرفی حوزه‌بندی معناست. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد کردیون نشان می‌دهد که افعال مرکب حاصل از سازه‌های غیرفعلی و فعل سبک کردیون دارای معنای کنش است و یکی از شاخص‌های صرفی چنین فعل مرکبی این است که سازه‌های غیرفعلی حاصل فرایند دوگان-سازگی تنها در ترکیب فعل مرکب مذکور به‌کار می‌روند. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد هاگردیون نشان می‌دهد که افعال مرکب حاصل از جزء غیرفعلی و فعل سبک هاگردیون از نوع افعال کنشی هستند و به نظر می‌رسد که وجه تمایز این‌گونه افعال مرکب نسبت به فعل مرکب دارای جزء فعلی کردیون این است که کنشگر چنین افعال مرکبی دارای قدرت بیشتری است. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد واکردیون نشان می‌دهد که بیشتر افعال مرکب حاصل از سازه‌های غیرفعلی و فعل سبک واکردیون دارای مفهوم سببیت و حالت کنایی هستند و براساس تقسیم‌بندی معنایی افعال از منظر وندلر تمامی افعال مرکب مذکور از نوع افعال تحقیقی هستند. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد بگردیون نشان می‌دهد که بیشتر افعال مرکب حاصل از ترکیب سازه غیرفعلی و فعل سبک بگردیون از نوع افعال حالت هستند. بنابراین از این بحث‌ها می‌توان نتیجه گرفت که فعل سبک کردیون و مشتقات آن دارای پنج جزیره بزرگ از جمله افعال حالت، کنش‌پذیر، غیرکنایی، کنش و تحقیقی است که درحقیقت هریک از پیشوندهای صرفی بیانگر یکی از جزایر معنایی است. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد بتیون نشان می‌دهد که افعال مرکب دارای فعل سبک بتیون بیشتر از نوع کنشی و در مرتبه بعدی از نوع افعال حالت هستند. همچنین جزء غیرفعلی افعال مرکب دارای فعل سبک بتیون بیشتر نشان‌دهنده ویژگی‌های رفتاری هستند. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد اتیون نشان می‌دهد که اغلب اجزاء غیرفعلی فعل مرکب دارای فعل سبک اتیون از نوع قید هستند که نشان‌دهنده جهات چهارگانه هستند و چنین اجزای غیرفعلی هرگز با سایر مشتقات افعال سبک بتیون به-کار نمی‌روند. داده‌های پیکره پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد وتیون نشان می‌دهد که بسامد فعل سبک وتیون نسبت به سایر افعال سبک بسیار پایین است و تنها سه نمونه در پیکره یافت شده است که درحقیقت جزء غیرفعلی فعل سبک مذکور آب و نم است.

البته نم همراه دو فعل سبک و تيون و بتيون به کار می‌رود. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد ورتيون نشان می‌دهد که اجزای غیرفعلی فعل سبک ورتيون بیشتر پاشنه، سر و کوله هستند. نکته قابل توجه در پیکره پژوهش این است که اجزای غیرفعلی آ (آه) و نفس به همراه دو فعل سبک بتيون و ورتيون به کار می‌روند و اما معنای دو فعل مرکب با دو فعل سبک مذکور تا حدی متفاوت هستند.

فعل سبک بوکوآتيون دارای صورت دیگری بدون علامت مصدر کوواتيون (kūwātiyūn) است که دارای هفت جزیره بزرگ از جمله کنش، واکنش، تأثیرگذاری، سوراخ کردن و منتقل کردن، حرکت خودکار، ساطع کردن و دزدیدن است که هریک از جزایر به جزایر کوچکتری تقسیم می‌شوند. داده‌های پژوهش مربوط به فعل مرکب دارای همکرد کوواتيون نشان می‌دهد که اجزای غیرفعلی فعل سبک کوواتيون عموماً قید هستند و چنین اجزای غیرفعلی به هیچ‌وجه به همراه فعل سبک بوکوواتيون به کار نمی‌روند.

بنابراین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیشوندهای اشتقاقی در افعال سبک زبان سمنانی نشان‌دهنده تمایز معنایی هریک از افعال سبک هستند و درحقیقت رابطه مستقیمی بین جزایر معنایی افعال سبک و پیشوندهای اشتقاقی وجود دارد. به عبارت دیگر، هریک از پیشوندهای اشتقاقی افعال سبک نشان‌دهنده جزایر معنایی خاصی در فضای معنایی هریک از افعال سبک است و درواقع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که رابطه مستقیمی بین صرف و معنی‌شناسی در زبان سمنانی وجود دارد. بسدینا (۲۰۱۲) از منظر رویکرد صرف‌شناختی بر این باور است که گویشوران زبان‌های مختلف دارای نظام مفهومی بنیادی هستند که چنین نظامی حاصل تجربیات بیرونی گویشوران است. اساساً چنین ویژگی‌های مفهومی تحت تأثیر مکانیسم تعمیم‌سازی، مفاهیم صرفی زبان را می‌سازند. سپس صورت‌های صرفی ویژگی‌های اصلی را در محتوای مفاهیم صرفی فعال می‌سازند. در مرحله بعدی عینی‌سازی مفاهیم تحت تأثیر سه عامل معنایی، نحوی و بافتی قرار می‌گیرد. در مرحله سوم نظام صرفی زبان نظام مفهومی بنیادی را فعال می‌سازند و همچنین ویژگی‌های اضافی در محتوای نظام مفهومی بنیادی تحت تأثیر عوامل زبانی نماسازی می‌شود و درنهایت از تعامل نظام صرفی و نظام مفهومی بنیادی معانی واژگان-صرفی شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان دریافت که گویشوران سمنانی دارای نظام مفهومی بنیادی هستند که به‌خاطر تجربیات

متفاوت، نظام صرفی متفاوتی را در ذهن می‌سازند. صورت‌های صرفی زبان سمناهی از جمله صورت‌های صرفی افعال سبک باعث فعال‌سازی ویژگی‌های مفهومی اصلی چنین صورت‌هایی در نظام صرفی می‌شود و سپس صورت‌های صرفی پیشوندهای اشتقاقی تحت تأثیر عامل معنایی عینی‌سازی می‌شود. در نهایت از تعامل نظام مفهومی بنیادی و نظام صرفی زبان سمناهی مفهوم ساخت افعال سبک در این زبان تعیین می‌شود. شکل ۱۲ چارچوب کلی مفهوم‌سازی ساخت صرفی را نشان می‌دهد.



شکل ۱۳: ساخت مفاهیم واژگان - دستوری (بسدینا، ۲۰۱۲: ۱۸۴)

Figure 13. Formation of lexico-grammatical senses ( Besedina, 2012:184)

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. aktionsart
2. Binnick
3. grammaticalization
4. thematic relation
5. subcategorizational framework
6. Lieber

7. construction grammar
8. croft
9. Fillmore, Kay & O'Connor
10. componential model
11. substantive
12. Cruse
13. Goldberg
14. Brugman
15. force- dynamic
16. Hopper
17. Talmy
18. energy source
19. energy sink
20. incorporation
21. action
22. reduplication
23. activity verbs
24. potency
25. Vendler
26. theory of aktionsart
27. states
28. achievements
29. accomplishments
30. activities
31. unbounded
32. atelic
33. bounded
34. telic
35. punctual
36. semelfactives
37. derivational relation
38. active accomplishments
39. Van Valin
40. ergative
41. type frequency



## ۸. منابع

- پژوم شریعتی، پرویز و عبدالمحمد خالصی (۱۳۹۲). *آموزش گویش سمنانی*. سمنان: دانشگاه سمنان.
- جواهری، محمدحسن و پرویز پژوم شریعتی (۱۳۸۷). *واژه‌نامه گویش باستانی سمنانی*. ج. ۲. سمنان: آبرخ.
- جوکار شهرستانی، سارا (۱۳۹۲). *فرآیندهای واژ- واجی در سمنانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه سمنان.
- حشمتی رضوی، نرگس (۱۳۸۹). «ویژگی‌های صرفی مشترک در گویش سمنانی، سرخه‌ای و افتری». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران*. صص ۸۲۳-۸۳۲.
- خالصی، عبدالمحمد (۱۳۸۸). *سمنی واجا (گفتار سمنانی)*. سمنان: آبرخ.
- داوری، شادی (۱۳۸۹). «ساخت ملکی در گویش سمنانی: براساس دیدگاه رده‌شناسی جزء-گرا». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران*. سمنان: دانشگاه سمنان. صص ۱۰۱۵-۱۰۴۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۸). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سراج، فرشته (۱۳۸۷). *بررسی جنسیت و بازتاب آن و حالت‌های فاعلی و مفعولی در گویش سمنانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- صفایی، علی و لیلا درویشعلی‌پورآستانه (۱۳۸۹). «بررسی وجوه مشابهت‌های زبانی بین گویش سمنانی و گیلکی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران*. صص ۱۳۷۹-۱۳۹۶.
- عموزاده، محمد و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۱). «ساخت افعال سبک براساس زبان‌شناسی شناختی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. دوره ۳. ش ۴ (۱۲). صص ۱۶۹-۱۹۱.
- عندلیب سمنانی، خسرو (۱۳۸۸). *پلکه پور(هله هوله)*. سمنان: آبرخ.
- کریمی دوستان، غلامحسین و روحی بایگی، زهرا (آماده انتشار). «بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۴). «ویژگی‌های کهن زبانی در گویش سمنانی». *مجموعه مقالات گویش*

سمنانی به کوشش عصمت اسماعیلی و مصطفی جباری. سمنان: دانشگاه سمنان. صص ۲۹۷-۳۰۲.

- محمد ابراهیمی، زینب و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی جنس دستوری در گویش سمنانی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های کویری ایران*. صص ۱۸۴۹-۱۸۷۶.
- مرادی، ابراهیم و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۲). «بررسی معنایی فعل مرکب در زبان فارسی». *نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. س ۱۶. ش ۳۳. صص ۳۰۵-۳۲۵.
- مرادی، سهیلا (۱۳۹۲). *فعل در گویش سمنانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. سمنان: دانشگاه سمنان.
- منصور، مهرزاد (۱۳۹۲). «فعل سبک در افعال مرکب فارسی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. س ۱. ش ۱. صص ۷۹-۱۰۶.

#### References:

- Amouzadeh, M. & F. Bahrami (2012). "Light verb construction based on cognitive linguistics." *Journal of Language and Comparative Literature Researches*. Vol. 3, No. 4 (Tome 12). Pp. 169-191. [In Persian].
- Andalib Semnani, KH. (2009). *Pelke Poor (Junk food)*. Semnan: Abrokh Press [In Persian].
- Besedina, N. (2012). "Evaluation through morphology: A cognitive perspective". *Selected Papers from UK-CLA Meetings*. Vol 1. Pp. 177 – 192.
- Binnick, R.I. (1991). *Time and the Verb: A Guide to Tense and Aspect*. New York: Oxford University Press.
- Brugman, C. (2001). "Light verbs and polysemy". *Language Sciences*. 23(4). Pp. 551-578.
- Croft, W. (2007). "Construction grammar". In Geeraerts, D. & Cuyckens, H. (ed.). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford University Press.
- Croft, W. & Cruse, A. (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge

University Press.

- Dabir-Moghaddam, M. (2009). *Studies in Persian Linguistics*. Iran University Press.[In Persian].
- Davari, SH. (2010). “Possessive construction in Semnani dialect based on individualizing typology”. *Papers of the First International Conference on Iran’s Desert area Dialects*. Pp. 1015-1040.[In Persian].
- Family, N. (2006). *Explorations of Semantic Space: the Case of Light Verb Constructions in Persian*. Ph.D dissertation in Paris:EHSS.
- Fillmore, C.; P. Kay & M.C. O’Connor, (1988). “Regularity and idiomacity in grammatical constructions; The case of let alone”. *Language* 64. Pp. 501-538.
- Goldberg, A. (1995). *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Heshmati- Rasavi, N. (2010). “ morphophonemics in Semnani , Sorkhe’I & aftari dialects.*Papers of the First International Conference on Iran’s Desert Area Dialects*.Pp. 823-832.[In Persian].
- Hopper, P. (1991). “ Dispersed verbal predicates in vernacular written English”. In: *Proceedings of the Seventeenth Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society*. Berkeley Linguistics Society, Berkeley, CA. Pp. 402-413.
- Javaheri, M. H. & P. Pazum Shariati (2008). *A Glossary of Ancient Semnani Dialect*. Semnan: Abrokh Press [In Persian].
- Jokar- Shahrestani, S. (2013). *Morphophonemics in Semnani*. M. A. thesis, Semnan university .[In Persian].
- Kalbasi, I. (2005). “Linguistic ancient properties of Semnani dialect.” *Papers of Semnani Dialect* collected by Dr. Esmat Esmaili & Dr. Mustafa Jabbari, Semnan, Semnan University, pp. 297-302. [In Persian].



- Karimi-Doostan, GH. & Z. Roohi Baygi (2016). "A cognitive study of light verb polesemy: The case of ZADAN." *Journal of Linguistic Researches*, Vol. 7, No. 3 (Tome 31). Pp. 129-148.[In Persian].
- Khalesi, A. (2009). *Samani Vaja (Semnani speech)*. Semnan: Abrokh Press.[In Persian].
- Lieber, R. (2004). *Morphology and lexical semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mansouri, M. (2013). "Light verb in Persian complex predicates". *Journal of Language and Dialects Studies of Western Iran*. 1, No. 1.Pp. 79-106[In Persian].
- Mohammad- Ebrahimi, Z. et. al. (2010). "The study of grammatical gender in Semnani dialect".*Papers of the First International Conference on Iran's Desert Area Dialects*. Pp. 1849-1876. [In Persian].
- Mohammad, J. & S. Karimi (1992). "Light verbs are taking over complex verbs in Persian". *Proceeding of WECOL*. Pp. 195-212.
- Moradi, E. & GH. Karimi-Doostan, (2013). "A semantic study of complex predicate in Persian language." *Journal of Literature and Language, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman*. Vol. 16, No. 33. Pp. 305-325[In Persian].
- Moradi, S. (2013). *Verb in Semnani Dialect*. M. A. thesis, Semnan University .[In Persian].
- Pajum Shariati, P. & A. Khalesi (2013). *A course in Semnani Dialect*. Semnan: Semnan University, Semnan University Press.[In Persian].
- Safaei, A. & Darvishali- Poorastaneh, L.(2010). "The study of linguistic similarities between Semnani & Gilaki dialects". *Papers of the First International Conference on Iran's Desert Area Dialects*. Pp. 1379-1396 .[In Persian].

- Seraj, F. (2008). *The Study of Gender, its Representation & Nominative and accusative cases in Semnani Dialect*. M. A. thesis in Linguistics, Tehran: Payame- Noor University.[In Persian].
- Talmy, L. (1985). "Force dynamics in language and thought". In: *Proceedings of the Twenty-Fourth Regional Meeting of the Chicago Linguistic Society*. Chicago Linguistic Society, Chicago. Pp. 293-337.

